



حسن علیزاده

شاخصه‌های

یک کاندیدا



"امیدوارم اشخاصی بار گران عضویت در شورای عالی جامعه‌ی حسابداران را بر دوش بکشند که به قدر کافی روحیه از خود گذشتگی، صداقت و اعتبار علمی و حرفه‌ای داشته باشند."

این جمله از حسابرسی ساکن مشهد است: حسن علیزاده، که به جمع گفتگو کنندگان با نشریه پیوسته و پاسخگوی سوالات ما بود. وی در سخنان خود به مباحثی چون علت کاندیدا نشدن در این انتخابات، انتظارات از شورای منتخب، ارزیابی عملکرد شورای سوم تفکیک نموده و به سوالات ما پاسخ می‌دهد. وی در ابتدا در پاسخ به این سوال که چرا شما در این انتخابات کاندیدا نشدید؟ می‌گوید: از دید شرایط اساسنامه‌ی جامعه ممکن است افراد زیادی حایز شرایط باشند لیکن از منظر اینجانب، شجاعت دفاع از شئون حرفه، درایت و دانش توسعه‌ی حرفه و همچنین اعتبار علمی و فنی لازم است که اینجانب خود را حایز شرایط نمی‌دانم.

در ادامه، در پاسخ به این که اگر کاندیدا شده بودید چه برنامه‌ها و اهدافی را در رئوس کاری خود قرار می‌دادید، می‌گوید: چنانچه روزی جمیع توانمندی‌های مورد نیاز را به قدر کفایت در خود دیدم و کاندیدا شدم، اهداف و برنامه‌های خود را به گونه‌ی برنامه‌ریزی خواهم کرد که کارنامه‌ی موفق در شناسایی نیازهای حرفه و رفع مشکلات آن را داشته باشم. وی در واکنش به ارزیابی اهمیت

انتخابات می‌گوید: با وجود گذشت بیش از ۵۰ سال از عمر حسابرسی در ایران هنوز برای بسیاری اشخاص حقیقی و حقوقی ناشناخته‌ایم. هنوز بسیاری از شرکت‌ها حسابرسی را به منزله کشف سوءاستفاده و تقلب می‌دانند که به راحتی و به زعم خود با استخدام حسابدارانی معتمد و مورد اعتماد نیازی به حسابرسی ندارند. شاید این ایراد ماست که آن‌قدر گزارش‌های ناپخته و عجولانه منطبق با میل صاحب کار داده‌ایم که از تفهیم نقش‌های بااهمیت آن بازمانده‌ایم. با حضور در انتخابات و انشا... با وجود شورایی کارآمد نقش اعتلای جایگاه حرفه نیز محقق خواهد شد.

علیزاده در ادامه از انتظارات و خواسته‌های خود از کاندیداها و راه‌یافتگان به شورا نیز سخن می‌گوید:

ابتدا از جامعه انتظار می‌رود شرایطی را فراهم کند که کاندیداها‌ی محترم اهداف و جزئیات برنامه‌های کاری خود را به دور از کلی گویی در سایت جامعه درج نمایند و در مرحله پس از انتخابات نیز اهداف و برنامه‌های ارائه شده‌ی ۱۱ منتخب حداقل به مدت سه سال در سایت جامعه باقی بماند تا امکان مراجعه و نقد آن توسط خود منتخبان و اعضای جامعه فراهم باشد. از کاندیداها‌ی محترم نیز انتظار می‌رود ابتدا دیدگاه‌های خود را در مورد شناخت از مشکلات موجود ارائه کرده و سپس راهکارهای عملی و حدود زمانی اقدام و اجرای آن‌را به اطلاع اعضای جامعه

برسانند. همچنین مناسب است منتخبین محترم بخشی از سایت جامعه را به پرسش از شورا اختصاص داده و در جلسات کاری خود حداقل ماهی یکبار خواسته‌های متداول اعضا را مطرح نمایند. وحدت و انسجام اعضای شورا و احترام به خرد جمعی و رسانه‌ای نکردن اختلافات، انتظار دیگری است که توجه به آن باعث اعتلای جایگاه جامعه در سایرین خواهد شد.

ارزیابی عملکرد شورای سوم محور دیگر گفتگوی ما بود. وی در این باره می‌گوید: هرچند تعصب حرفه‌ای و دانش اعضای محترم شورای سوم بر کسی پوشیده نیست لیکن شکاف و اختلاف بین اعضای منتخب در تضاد با اصلی‌ترین هدف شورا یعنی اعتلای جایگاه حرفه در کشور بوده است. رفع مشکلات موجود در راستای ماده ۲۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم نیاز به تمهیداتی در داخل جامعه و تعاملات سازنده با مراجع دولتی دارد که تاکنون محقق نشده است.

همچنین انتقاد دیگری که بر عملکرد شورای سوم و ادوار قبل از آن وارد است این است که موسسات در تنازع نابرابر تقسیم کار و مناقصات به حال خود رها شده و مدیریت اعمال نشده است. اصل ۴۴ قانون اساسی و تاکیدات مقام معظم رهبری در مورد کاهش تصدی‌گری موضوعی است که در نظام حسابداری و حسابرسی کشور پی‌گیری‌های کافی در راستای آن انجام نشده است.

وی در بخش دیگری از گفتگو از مهم‌ترین اولویت‌های کاری شورای چهارم نیز سخن می‌گوید، بدین ترتیب: یک- پیگیری اجرای صحیح مصوبات مشابه که در حال حاضر به نحو صحیح اجرا نمی‌شود.

دو- بهبود وضعیت حرفه از طریق تصمیمات کارآ در تصویب قانون نحوه‌ی نرخ‌گذاری و تقسیم عادلانه‌ی کار و تعیین حداکثر سقف مجاز کاری موسسات و جلوگیری از انحصار موجود. هرچند مدیریت بر نحوه‌ی تقسیم کار و نحوه‌ی قیمت‌گذاری ممکن است مخالفان زیادی داشته و ساعت‌ها وقت شورا را بگیرد

لیکن اثرات مثبتی در حرفه دارد که ارزش صرف وقت و ایجاد کارگروهی تحت همین عنوان را دارد. کاری مشابه با آنچه پزشکان و مهندسان پیش‌تر جهت تعیین قیمت، فهرست بها و سقف کاری انجام داده‌اند. اولین تجربه حسابرسی شهرداری‌ها با مدیریت و نظارت جامعه بر نحوه تقسیم کار در سال ۱۳۸۳ (عملکرد ۱۳۸۱ شهرداری‌ها) به‌خوبی انجام شد. چنانچه اعضای منتخب پژوهشی در این زمینه انجام دهند و کیفیت گزارش‌های عملکرد ۱۳۸۱ شهرداری‌ها را با وضعیت فعلی که امور شهرداری‌ها از طریق مناقصات ارجاع می‌شود، با یکدیگر مقایسه نمایند به نتایج مفیدی خواهند رسید. ساده‌ترین نحوه مدیریت بر تقسیم کار در نظر گرفتن حداکثر مبلغ کاری هر یک از موسسات از حسابرسی شهرداری‌ها، دانشگاه‌ها، شرکت‌های آب و فاضلاب، شرکت‌های تابعه‌ی وزارت نیرو، شرکت‌های بورسی و... است. آنچه از پاسخ‌های مناقصات عاید برگزارکنندگان می‌گردد، گویای وضع اسفناک حرفه است. اگر اقدام‌های عاجلی انجام نشود، در آینده‌ی نه چندان دور حساب‌رسان قسم‌خورده مجبور به انعقاد قراردادهایی با شروط خاص کارفرمایان خواهند گردید. حذف سیستم استعلام بها و مناقصات به‌تنهایی کمکی به حرفه نمی‌کند و وضعیت آن را اسفناک‌تر و البته به نفع موسساتی می‌کند که می‌خواهند یک‌ه تاز میدان باشند. حذف سیستم استعلام بها همراه با تدوین آیین‌نامه نحوه‌ی نرخ‌گذاری و تعیین سقف مجاز کاری موسسات موثر خواهد بود. سقف مجاز کاری موجود که با استخدام حسابدار رسمی افزایش یابد، سقف نیست. یادمان نرود موسسات متوسط و کوچک، بخش قابل توجهی از تابلو اعلانات حرفه را به خود اختصاص داده و در صورت عدم حمایت و بی‌توجهی یکی از اهداف اصلی جامعه که اعتلای جایگاه حرفه است، برآورده نخواهد شد.

سوم - اهتمام به اصل ۴۴ قانون اساسی و توصیه‌های مقام معظم رهبری ایجاد می‌کند که شورای منتخب بخشی

از پیگیری‌های خود را به این موضوع اختصاص دهد. در حال حاضر برخی نهادهای دولتی و عمومی و نیز برخی از وزارتخانه‌ها، خدماتی موازی جامعه انجام داده و بعضاً بخش بزرگی از بازار کار را به خود اختصاص داده‌اند.

چهارم - ایجاد ارتباط سازنده و مستمر بین جامعه، مقامات مسئول دولتی و مجلس شورای اسلامی در راستای تدوین مصوبات جدید، پیگیری مصوبات قبلی و معرفی هرچه بیشتر حرفه می‌تواند یکی از برنامه‌های شورای منتخب باشد. وی می‌گوید به مناسبت‌های مختلفی نظیر روز پرستار، روز مهندسی، روز پزشک و... شاهد حضور نمایندگان این حرفه‌ها در رسانه‌ها، برگزاری یادبودها و مراسم مختلف و بیان مشکلات و محدودیت‌ها بوده‌ایم ولی دریغ از این که در روز حسابدار و یا به مناسبت‌های دیگر اقدامی مشابه از این دست در جامعه‌ی حسابداران رسمی به قدر کافی انجام نشده است.

پنجم - توسعه و در مواردی تعریف بسترهای کاری جدید علاوه بر حسابرسی مالی و مالیاتی نظیر حسابرسی عملیاتی، ارائه‌ی سیستم‌های مالی و بهای تمام شده، حسابرسی داخلی، حسابرسی بیمه‌ای، و حسابرسی بانک‌هاست. در حال حاضر نیاز است که جامعه در مورد هریک از بسترهای کاری دوره‌های آموزشی خاص همراه با ارائه‌ی گواهینامه برای موسسات متقاضی در دستور کار قرار دهد تا ضمن حذف انحصار از ارائه خدمات غیراستانداردی که بعضاً توسط برخی از موسسات غیر عضو انجام می‌شود، پرهیز گردد. در این مورد پی‌گیری آیین‌نامه‌ای که شرکت‌های دولتی و شرکت‌های تابعه‌ی آن از انعقاد قرارداد با موسسات فاقد گواهینامه و فاقد عضویت منع شده باشند و نیز ممنوعیت ارائه خدمات مذکور توسط موسسات فاقد گواهینامه مناسب به نظر می‌رسد.

نکته‌ی دیگری که حسین عزیززاده به آن اشاره می‌کند، بخشی از گفته‌های یکی از اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی بود: در مقاله‌ی ای که اخیراً در نشریه‌ی

حسابدار رسمی به‌چاپ رسیده، خواندیم که "شرکای بسیاری از موسسات کوچک و بعضاً متوسط که از لحاظ دانش و مهارت حرفه‌ای چیزی از دیگران کم ندارند. علاوه بر وظایف مدیریتی، وظایف سرپرستان ارشد را هم انجام داده و از طریق تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی امرار معاش می‌کنند."

وی می‌گوید به‌راستی علت چیست؟ آیا توزیع نامتناسب کار بین موسسات نمی‌تواند علت این امر باشد؟ آیا عدم توجه کافی به توسعه‌ی حسابداری و حسابرسی از زمینه‌های محدود موجود به زمینه‌های گسترده نمی‌تواند علت این امر باشد؟ گروهی را به پدر حسابرسی بانکها، پدر حسابرسی برق، پدر حسابرسی آب و فاضلاب، پدر حسابرسی شهرداری‌ها... تبدیل نموده و دیگران را به فرزندان ناخواسته تبدیل کرده‌ایم. به‌نظر من برای حذف انحصارات موجود مناسب است آموزش‌های مخصوص جهت هر یک از موارد اشاره شده، برقرار گردد تا از وضعیت موجود رها شویم.

همچنین در بخش دیگری از نشریه اخیر حسابدار رسمی سوالاتی در مورد وضعیت عدم تعادل عرضه و تقاضا در بازار کار حرفه‌ای، چالش‌های موجود و راه‌حل‌های پیشنهادی پرسش شده بود. عمده‌ی همکاران مشکل بسیاری از اعضای جامعه را مطرح کرده بودند و برخی دیگر مشکلات اصلی حرفه را جمع‌آوری قیوض ۵ درصد از شهرستان‌ها و وقت‌گیر بودن آن اعلام نموده و برخی دیگر دریافت اقساط مطالبات از شرکت‌ها و نیز رشد قارچ‌گونه‌ی موسسات را عنوان کرده بودند. درجایی دیگر نیز به تقسیم‌کوپنی کار بدون توجه به کیفیت موسسات اشاره شده بود. به‌راستی مشکل حرفه چیست؟ به‌قول یکی از بزرگان حرفه، جراحان با گذراندن دو سال پس از دوره عمومی و بدون سابقه‌ی کار اجازه جراحی دارند، آیا حساب‌رسان با ۶ سال سابقه و گذراندن آزمون، مهارت و کیفیت لازم جهت حسابرسی را به دست نیاورده‌اند؟ آیا تفاوت کیفی، تعریف مشخصی شده است؟